

سرمقاله

خواست ها باید ملی باشد نه شخصی

حفيظ الله زكي

حکومت وحدت ملی حاصل یک انتخابات مشروع و قانونی نیست؛ بلکه محصول یک توافقنامه سیاسی میان دو تیم انتخاباتی است که با میانجیگری آمریکا به امضای دو طرف رسیده است و بر اساس آن حکومت ۵۰-۵۰ میان دو تیم انتخاباتی تقسیم شده است. اما از آنجایی که پست ریاست اجراییه مینای نداشتند و جایگاه و حدود وظایف و صلاحیت های آن در قانون تعریف نشده بود؛ لازم بود که به آن به گونه ای مشروعیت داده شود. برای این مسأله تشکیل «لویه جرگه قانون اساسی» تا پایان سال دوم حکومت وحدت ملی پیش بینی شده بود.

اکنون مسأ در ماههای پایانی سال دوم روی کار آمدن حکومت وحدت ملی قرار داریم؛ ماههایی که باید در آن لویه جرگه قانون اساسی دایر شود و در ارتباط با تغییر نظام ریاستی به پارلمانی بحسب و تبادل نظر صورت بگیرد. این جرگه در واقع می تواند جایگاه افراد را در حکومت وحدت ملی مشروعیت ببخشد و با تغییر مواد قانون اساسی شکل جدیدی از حکومت را به تصویب برساند. ولی به نظر می رسد که تشکیل لویه جرگه در شرایط فعلی امکان پذیر نمی باشد. اولاً که در ساختار «لویه جرگه» نمایندگان شوراها و ولسوالی ها هم پیش بینی شده است، در حالی که انتخابات شوراها و ولسوالی در کشور اصلاً برگزار نشده است. ثانیاً، در شرایط کنونی هم از لحاظ امنیتی و هم از لحاظ اقتصادی برگزاری انتخابات شوراها و ولسوالی در توان حکومت نیست. حکومتی که با هزار مشکلات جدی درگیر است، نمی تواند توان و فرصت های خود را برای برگزاری انتخابات شوراها و ولسوالی اختصاص دهد.

برگزار نشدن لویه جرگه به هر دلیلی که باشد، اما موقعیت ریاست اجراییه را به لحاظ قانونی مورد سؤال قرار می دهد. زیر سؤال رفتن ریاست اجراییه در واقع زیر سؤال رفتن تمام مواد توافقنامه سیاسی است که مبنای تشکیل حکومت وحدت ملی به حساب می آید.

سران حکومت وحدت ملی با این همه ضعف ها و کاستی های قانونی، بایستی با جدیت تمام تلاش می کردند، تا رضایت مردم را در نحوه انجام مسؤلیت های دولتی شان به دست آورند و به این ترتیب حداقل مشروعیت مردمی شان را افزایش می دادند. اما مقامات حکومتی پیش از آن که در فکر مشکلات قانونی و مشروعیت مردمی خود باشند، باز هم در کشاکش جنگ قدرت در درون ساختار نظام گرفتار شدند. این تضادها و کشمکش ها تمامی کارکردها را مختل و تمامی برنامه ها را متوقف و زمینه ناامنی های دوامدار در کشور را فراهم ساخته اند.

امروزه حکومت وحدت ملی حتا از انجام ابتدایی ترین مسؤلیت خود به عنوان یک رکن مهم نظام برخوردار نیست. فاصله میان مردم و حکومت روز به روز در حال افزایش می باشد. فقر و بیکاری مردم را در بدترین وضعیت زندگی قرار داده است. تهدیدات امنیتی در حال افزایش می باشد و همین اکنون تعدادی از ولایت ها در معرض تهدید جدی گروه طالبان قرار دارد. جرایم سازمان یافته مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، اختطاف، سرقت های مسلحانه، آدم کشی و غیره نیز امنیت فیزیکی و روانی شهروندان را سلب کرده است. هیچ کس در این کشور احساس آرامش نمی کنند. احساس نا امنی سراسر وجود شهروندان افغانستان را فراگرفته است.

در این وضعیت به جای این که سران حکومت به فکر چاره برای مردم باشند، درگیر رقابت بر سر کرسی و قدرت می باشند. مردم باور دارند که سران حکومت وحدت ملی به منافع مردم و کشور نمی اندیشند. تفکرات انحصاری، روحیه قدرت طلبی و امتیاز خواهی و احیای شکاف های قومی و مذهبی زاید و معلول کارکردهای ناقص سران حکومت وحدت ملی دو سال گذشته می باشد.

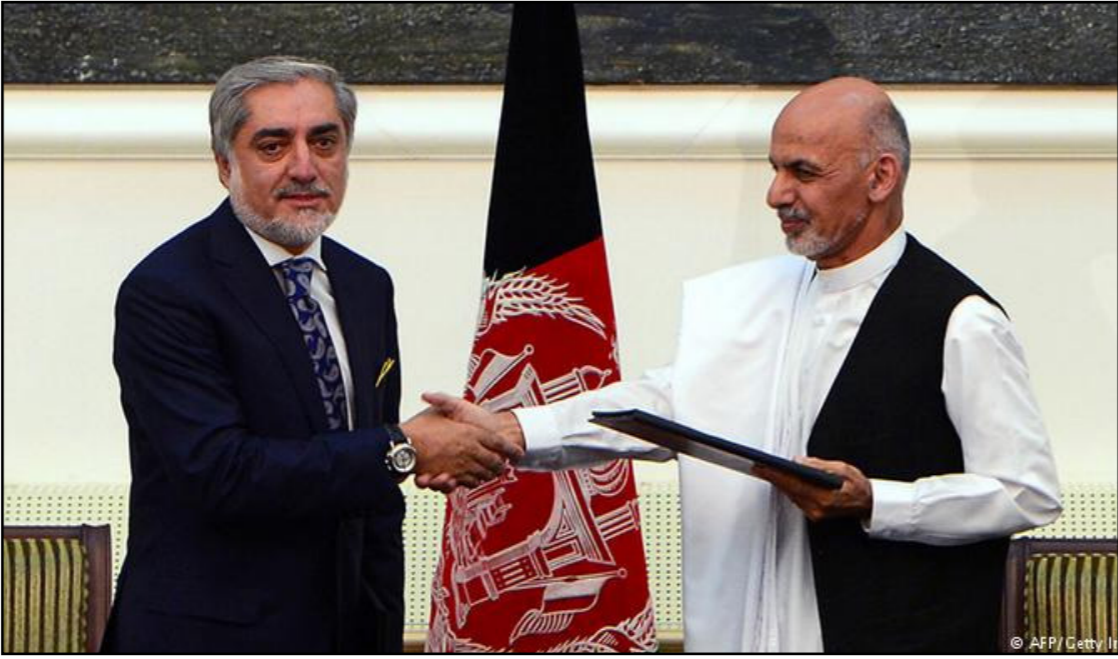
امروزه صدای اعتراض از هر گوشه و کنار کشور در ارتباط با سیاست ها، غفلت ها، کاستی ها و ناکارایی های حکومت وحدت ملی بلند است. سران حکومت وحدت ملی اگر اندکی عرق ملی داشته باشند، باید این صداها را بشنوند و برای شان پاسخ پیدا کنند. اما متأسفانه چنین برداشتی می شود که هیچ اراده ای برای خدمت به مردم و کشور در نزد مقامات بلند پایه حکومتی وجود ندارد. اراده ها اغلب شخصی و حزبی و تیمی است تا ملی.

پدیده امنیت از آنجایی که با نظم، اقتدار، مشروعیت و ثبات نظام سیاسی بیوند ناگسستگی دارد، در هر کشوری از اهمیت فوق العادهای برخوردار می باشد، اما زمانی که پایه های نظام سیاسی در یک کشور در معرض انواع تهدیدهای درونی و بیرونی قرار بگیرد و آرامش اجتماعی دستخوش دگرگونی ها و رویدادهای ناخواسته ای گردد، به طوری که دوام حیات سیاسی و اجتماعی را برای شهروندان کشور و ناممکن سازد؛ آنگاه این پدیده اهمیت دو چندان پیدا می کند.

از همین رو امنیت در افغانستان در محور مسایل سیاسی قرار می گیرد و به استراتژی ها و جهت گیری ها سمت و سو می بخشد و فرصت ها و امکانات ملی را در موارد خاصی به مصرف می رساند، تا دولت برای حفظ امنیت جامعه آمادگی و توان لازم را پیدا کرده و ساحه اقتدار و نفوذش را در مناطق دور دست و یا خطر خیز بگستراند. امنیت در جامعه بخودی خود تأمین نمی شود، برقراری امنیت و رسیدن به آسایش و رفاه نسبی جامعه به تأسیس نهادهای سازمان های سیاسی ویژه ضرورت دارد و تأسیس نهادهای به وضع قوانین ویژه، کار آیی نهادهای ارگان های سیاسی و اجرای عادلانه قوانین، به قدرت مافوق ضرورت پیدا می کند که معمولاً از آن به حکومت یاد می کند. بنا بر این یکی از ویژگی های بنیادین حکومت برخوردار بودن از قدرت مافوق است. در واقع قدرت یکی از بنیان های حکومت را تشکیل می دهد که بدون آن استواری و استحکام نظام و حکومت در معرض تهدید قرار می گیرد. قدرت بر توانایی و زور مبتنی است و زور اساس نهادهای مهم امنیتی چون اردو و پولیس ملی به شمار می رود و اینگونه سازمان ها بخشی از نهادهای قدرت حکومت را بازتاب می دهد؛ اما حکومت همیشه نمی تواند از توانایی های خود برای تحمیل دیدگاه ها و سیاست های خود بر مردم استفاده کند؛ بلکه باید برای کاربرد آن وجهه قانونی داشته باشد و چنانچه اعمال قدرت از جانب حکومت با مساز و کارهای قانونی توجیه پذیر باشد، حکومت شوندهاگان با گذشت و صبر بیشتری، سخت گیری های حکومت را

بزرگترین خطر؛ فرسایش حکومت از درون

حفيظ الله زكي



نهادهای امنیتی کشور، سیاست های دوگانه و ناهماهنگ و گاه مبهم و سسوال برانگیز حکومت در قبال هراس افکنان است. حضور قدرتمند گروه طالبان در روستاها، ولسوالی ها، شاهراه ها و حتا تعدادی از ولایات کشور، همه نشانه این است که عامل قدرت در نظام سیاسی کشور در حال فرسایش است و دولت توانایی ها و کارایی های هرچند ناقص خود را در این عرصه از دست داده است.

در حال حاضر گروه طالبان علناً شهروندان تعدادی از ولایات و ولسوالی ها را به همکاری فرا می خواند و به صورت علنی و بدون کدام ترس و وا همه گشت و گذار می نماید و این خود به معنای ضعف اقتدار دولت مرکزی و فرسایش قدرت نیم بند نظام سیاسی است.

با فرسایش قدرت و توان نظامی و فیزیکی دولت خصوصاً در مناطق نا امن جنوبی، شرقی و جنوب غربی، گروه های مخالف دولت خلاء قدرت را در بسیاری از ولسوالی ها و روستاها پر کرده اند و دولت هم ناچار گردیده، رسماً به این حضور اعتراض نماید و مخالفان مسلح را به عنوان یک واقعیت سیاسی-نظامی انکار ناپذیر در مناطق نا امن بپذیرد.

در حال حاضر نیروهای خارجی افغانستان را ترک گفته و مسؤلیت امنیت کشور را آموزش دیده و مسلحی در ارگان های تقویت اردو و پولیس ملی و تربیت نسل آموزش دیده و مسلحی در ارگان های امنیتی یک ضرورت اجتناب ناپذیر به شمار می آید. بدون پولیس و اردوی نیرومند و آموزش دیده، برقراری امنیت و ثبات و تأمین صلح دوامدار ممکن نیست. با تجهیز و تقویت نیروهای امنیتی حد اقل از تحمل شکست ها و ناکامی های بیشتر جلوگیری می توانیم.

دولت در شرایط کنونی ناچار است، برای پیشبرد سیاست های خود، ابتدا خود را سر و سامان دهد، و قدرت قانونی خود را افزایش دهد و سطح پایین مشروعیت خود را بالا ببرد. چنانچه حکومت انسجام درونی خود را حفظ نکند و قدرت قانونی خود را به اثبات نرساند، نمی تواند در معادلات سیاسی دستاوردی داشته باشد.

ارتش و پولیس ملی، که دو رکن مهم دفاع از استقلال و آزادی این سرزمین به حساب می آمد، از بنیان فرو ریخته بسود و نماد قدرت ملی که در گستره و توانایی نهادهای مختلف سیاسی-امنیتی تبارز می یابد، کاملاً از بین رفته بود. با روی کار آمدن حکومت انتخابی و به بین کمک های جامعه جهانی، در راستای نهادسازی و تشکیل دو ارگان قدرتمند امنیتی (اردو و پولیس ملی) گام هایی برداشته شد و خصوصاً در چند سال اخیر در عرصه تقویت این دو نهاد و تجهیز آنها با سلاح های مدرن، تلاش های نسبتاً خوبی صورت گرفت. ولی با همه اینها پولیس و اردوی ملی به عنوان دو بازوی نظام، نمی توانند کارکردهای قابل قبولی را ارائه دهند. این نیروها در مبارزه با دشمنان و مخالفان مسلح نظام، نیز ضعیف ظاهر می شوند و در کنار سازمان عدلی و قضایی کشور، در کاهش میزان جرایم و جلوگیری از جنایات سازمان یافته نیز کارنامه مؤفقی نداشته اند.

صلح و ثبات در صورتی امکان می یابد که حکومت استفاده متناسب و متعادل از بنا بر این قدرت در سیاست وسیله اساسی برای تضمین صلح، ثبات، نظم و عدالت به شمار می رود و بدون قدرت و کاربرد صحیح آن هیچ دولتی پایدار نمی ماند. قدرت حکومت بر توان نظامی، امکانات تسلیحاتی و نیروی انسانی آن سنجیده می شود و هرچند نیروی نظامی آموزشی دیده و با کیفیت باشد و از تسلیحات و تجهیزات مدرن بهره مند باشد. توان و قدرت دولت نیز بیشتر و مطمئن تر می گردد و بهتر می تواند از منافع عمومی مردم دفاع نماید.

در افغانستان امروز، مهمترین پرسشی که بر سر راه حکومت وجود دارد، این است که برای تأمین امنیت شهروندان و حفاظت از زندگی اعضای اجتماع چه ساز و کارهایی را در پیش گرفته است. چه نهادهایی را تأسیس کرده و چه امکاناتی را برای آنها تدارک دیده است؟

در ابتدای تأسیس حکومت جدید، ساختار حکومت متعادل است. در واقع قدرت یکی از بنیان های حکومت را تشکیل می دهد که بدون آن استواری و استحکام نظام و حکومت در معرض تهدید قرار می گیرد. قدرت بر توانایی و زور مبتنی است و زور اساس نهادهای مهم امنیتی چون اردو و پولیس ملی به شمار می رود و اینگونه سازمان ها بخشی از نهادهای قدرت حکومت را بازتاب می دهد؛ اما حکومت همیشه نمی تواند از توانایی های خود برای تحمیل دیدگاه ها و سیاست های خود بر مردم استفاده کند؛ بلکه باید برای کاربرد آن وجهه قانونی داشته باشد و چنانچه اعمال قدرت از جانب حکومت با مساز و کارهای قانونی توجیه پذیر باشد، حکومت شوندهاگان با گذشت و صبر بیشتری، سخت گیری های حکومت را

کارل پوپر و اندیشه عدالت

بهرام محبی

کارگران و با سرمایه داران» و غیره دگرگون می شوند. بطور خلاصه می توان گفت که برای پوپر در زمینه حکومت کردن، پرسش «چه کسی» مطرح نیست، بلکه پرسش «چگونه» مطرح است.

از همین جهت وی متقابلاً «پیشنهاد می کند که بهتر است پرسشی فروتنانه تر را جانشین پرسش کلاسیک افلاطونی در مورد دولت کنیم و آن اینکه بپرسیم: «چه کار می توانیم بکنیم تا نهادهای سیاسی خود را به صورتی سازمان دهیم که امکان زیان وارد کردن حکمرانان بد و نالایق را که فراوانند به حداقل برسانند؟» پوپر معتقد است که بدون تغییر در طرح پرسش یادشده، هرگز نمی توانیم به نظریه عقلانی در مورد دولت و مؤسسات آن و یک نظام سیاسی عادلانه نائل گردیم. بنابراین باید به عوض پرسش افلاطونی در این مورد که «چه کسی باید حکومت کند؟»، متواضعانه بپرسیم که: «کدام شکل حکومتی اجازه می دهد بتوانیم بسک حکومت زورگو و یا هر حکومت بد دیگری را بدون خونریزی برکنار کنیم؟». به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که دموکراسی امروز نیز مانند دموکراسی ۲۵۰۰ سال پیش در آتن، تلاشی است برای ایجاد آنچه نظام حکومتی که باید مانع عروج جباریت شود.

پوپر خاطر نشان می سازد که دموکراسی به معنای «حکومت مردم» نام فریبنده ای است، چرا که در هیچ جا مردم حکومت نمی کنند و نباید هم حکومت کنند. زیرا حکومت اکثریت به سادگی می تواند به بدترین نوع جباریت تبدیل شود و حقوق اقلیت را یکسره از میان بردارد. اما دموکراسی تنها شکل حکومتی است که علیرغم نام فریبنده خود و تحت فشار مشکلات و دشواری های عملی، توانسته این هدف را در مقابل خود قرار دهد که با وضع کردن قوانین مشروع، ایده های عدالت، انسانیت و بیش از هر چیز آزادی را چارچوب قانونیت، تا آنجا که مقدور است متحقق سازد. به این اعتبار می توان گفت که دموکراسی از نظر پوپر نه حکومت مردم، بلکه تجهیز نهادی در مقابله با دیکتاتوری است. دموکراسی ها در تلاشند تا به یاری قوانین مشروع و تأسیسات ساختاری، مانع شوند تا جباریت سربرآورد، اگر چه این تلاشها همواره قرین موفقیت نبوده است.

پوپر در تعیین سنجیدار نظام سیاسی آزاد خاطر نشان می سازد که نظامی از نظر سیاسی آزاد است که نهادهای سیاسی آن به شهروندان این امکان عملی را بدهد که در صورت اراده اکثریت بتوانند حاکمان را بدون خونریزی برکنار سازند. اما...دیده دارد

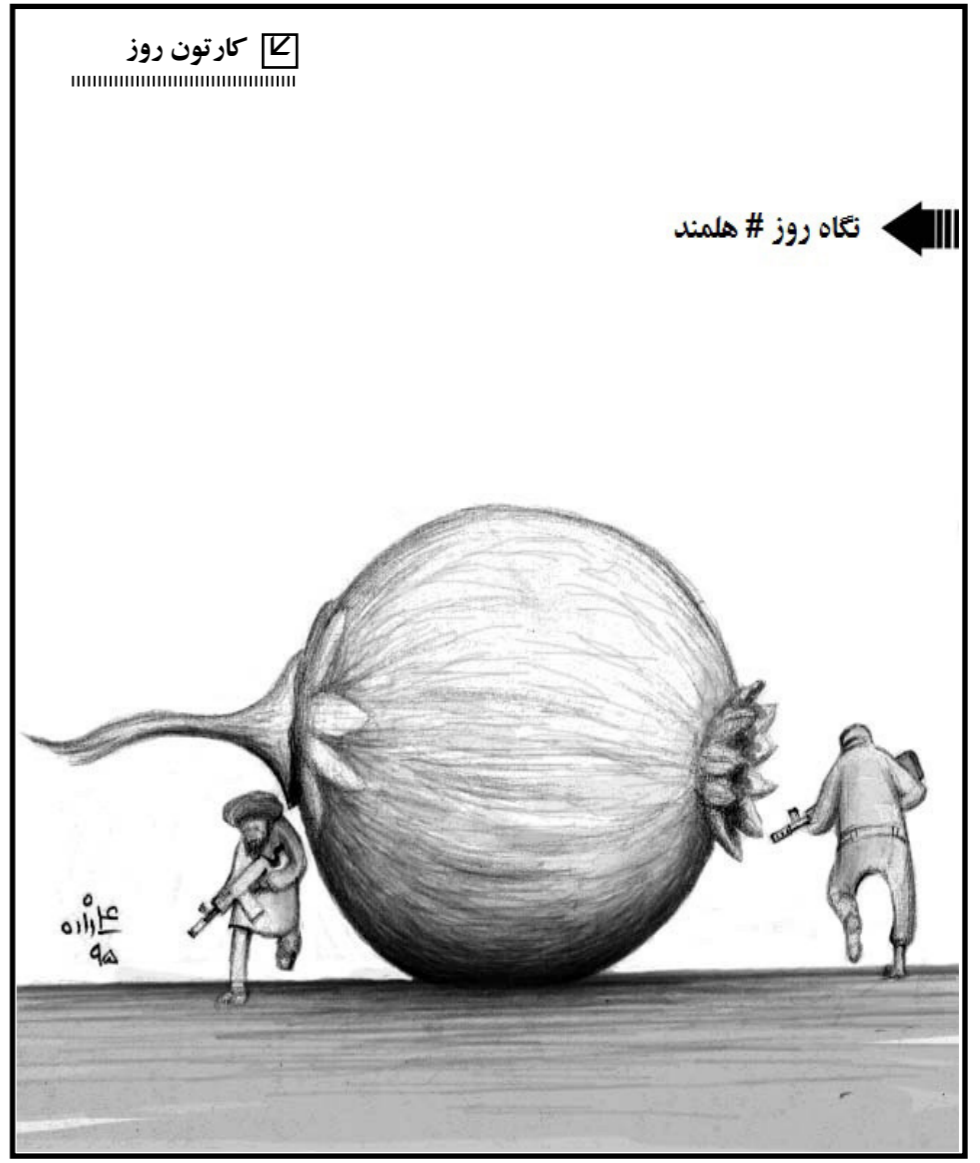


بر قدرت اقتصادی نیز مهار زد و مانع دریندشدن انسان ها گشت؛ اما با این بین رفتن آزادی، حتا برابری میان بنیادین نیز باقی نخواهد ماند. در آنچه که مشخصاً «به بحث عدالت مربوط می گردد، کارل پوپر در نخستین جلد از کتاب «جامعه باز و دشمندان آن» تحت عنوان «افسون افلاطون»، به بررسی دیدگاه های فیلسوف کلاسیک یونانی می پردازد و از جمله «عدالت نام گرا» ی او را به شدت مورد نكوهش قرار می دهد. وی از جمله خاطر نشان می سازد که در حالیکه مفهوم عدالت در ذهن ما معنای تقسیم برابر در مسؤلیت های شهروندی یعنی تقسیم محدودیت های آزادی، برابری در مقابل قانون و غیرجانبدار بودن محاکم قضایی را تداعی می کند، افلاطون از این مفهوم، مزایای طبقاتی را درک می کند. به نظر پوپر دریافت انساندوستانه از عدالت به این معناست که مساوات در میان انسان ها برقرار باشد، مزایای «طبیعی» حذف کردند، فردیت حفظ شود و سرانجام

پوپر به دفاع از دستاوردهای دموکراسی لیبرال برمی خیزد و علیرغم انتقاد از ضعف های آن، چنین نظامی را عادلانه ترین و بهترین نظامی ارزیابی می کند که تا کنون در تاریخ بشریت تحقق یافته است. به نظر وی، تمام نظام های که در طول تاریخ به انسان ها وعده ی بهشت روی زمین را داده اند، سرانجام به دوزخ منتهی شده اند، اما دموکراسی تنها نظامی است که صرفاً با تلاش و اراده خود مردم می تواند پایرجا بماند. به عقیده پوپر، اگر قرار باشد افزون بر آزادی، «دموکراسی اقتصادی» (عدالت اجتماعی) نیز ایجاد گردد، همین «آزادی صوری محض» تنها وثیقه تحقق آن است. پوپر تصریح می کند که مارکس در نظری ساده لوحانه، دولت را ابزار سرکوب طبقه حاکم ارزیابی می کند و وعده زوال آن را در جامعه بی طبقه می دهد، اما مارکس هرگز به این معمای آزادی دست نیافت که دولت در تأمین آزادی و انسانیت چه خدماتی می تواند و باید انجام دهد. به نظر پوپر، باید از طریق استقرار آزادی، بر قدرت مهار زد و آن را رام کرد. سپس می توان از طریق ایجاد نهادهایی در حیطه نظام دموکراتیک،

در این بحث آرای کارل راینموند پوپر فیلسوف اتریشی تبار انگلیسی را در رابطه با عدالت بررسی می کنیم. پوپر با برآمد حکومت های نام گرا (توتالیتراریستی) در اروپا، دو اثر مهم خود یعنی «جامعه ی باز و دشمندان آن» و نیز «فقر تاریخگرایی» را که شالوده فلسفه سیاسی او را می سازند، منتشر ساخت. این دو اثر، تلاش وی را در دفاع از آزادی، مقابله با جنگ و طرد اندیشه های سیاسی تام گرایانه و اقتدارطلبانه نشان می دهند.

پوپر منتقدانی را که با اندیشه های خود «عملاً» در خدمت خودکامگان و راهگشای حکومت های جبار بوده اند، «پیامبران کاذب» می نامد و تأکید می کند که ما باید در انتقاد از میراث فرهنگی خود روشن سخن بگوییم و عادت دفاع از بزرگمردان



کارتون روز
تلاش و اراده خود مردم می تواند پایرجا بماند. به عقیده پوپر، اگر قرار باشد افزون بر آزادی، «دموکراسی اقتصادی» (عدالت اجتماعی) نیز ایجاد گردد، همین «آزادی صوری محض» تنها وثیقه تحقق آن است. پوپر تصریح می کند که مارکس در نظری ساده لوحانه، دولت را ابزار سرکوب طبقه حاکم ارزیابی می کند و وعده زوال آن را در جامعه بی طبقه می دهد، اما مارکس هرگز به این معمای آزادی دست نیافت که دولت در تأمین آزادی و انسانیت چه خدماتی می تواند و باید انجام دهد. به نظر پوپر، باید از طریق استقرار آزادی، بر قدرت مهار زد و آن را رام کرد. سپس می توان از طریق ایجاد نهادهایی در حیطه نظام دموکراتیک،

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسؤلیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفيظ الله زكي
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۴۲

افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper